جلوگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی

معصومه دولت در خصوص جلوگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی و مخرب محیط‌زیست در استان‌های شمالی از سوی استاندار جهانگیری معاون اول رئیس جمهور ابلاغ شده به گزارش ایلنا، بر اساس این مصوبه وزارتخانه‌های مربوطه و سازمان حفاظت محیط‌زیست مکلفند کلیه ظرفیت‌های خود را برای جلوگیری از تخریب و تغییر کاربری اراضی کشاورزی و تخریب به محیط‌زیست وفق در محدوده شهرهای استان‌های شمالی کشور را به کار گیرند.

معدوم‌سازی بیش از ۱۵ تن مواد غذایی فاسد در ماهی که گذشت

رئیس سازمان بهداشت ۱۴۰ وزارت بهداشت ضمن اشاره به بازرسی‌های بهداشتی از اماکن عمومی و تهیه و توزیع غذا از معدوم‌سازی بیش از ۱۵ تن مواد غذایی فاسد در مرداد ماه خبر داد و گفت: گزارش بعضا مردمی مخرب آن را به دنبال این مطلب اظهار داشت: بیشترین شکایت‌های ثبت شده در سامانه ۱۴۰ در مرداد ماه به ترتیب مربوط به مزاحمت مواد غذایی فاسد، دفع غیربهداشتی فاضلاب و مزاحمت صاحبان بیمارستانی شنیده شده ثالث تاریخ مصرف منقضی بوده است.

شعجانبی اماکن مشمول دارای فعالیت‌های غیرمجاز ۱۲ درصد، فروش و سلمونیچ و پیتزا ۱۱ درصد، صنف دانوایی با ۱۰ درصد و بقالی، سوپر مارکت سلف سرویس و رستوران با ۸ درصد بیشترین شکایت را به خود اختصاص داده‌اند. وی بیان کرد: ۵ درصد از تخلفات منجر به کاسب جمع‌آوری و معدوم‌سازی کالای آسیب‌رسان به مصرف‌کننده به میزان یک هزار و ۳۲۲ کیلوگرم انواع مواد غذایی فاسد، تاریخ مصرف گذشته و غیرقابل مصرف شد که بیشترین این مواد غذایی شامل انواع نوشیدنی و کنسانتره، فرآورده‌های گوشتی، پروتئینی و لبنیات بوده است. رئیس سازمان بهداشت ۲۹۰ وزارت بهداشت اظهار داشت اقدامات انسدادی‌روزی دال بر ابقای فعالیت محیط منجر به مخرب ۱۵ درصد از مت‌خلفین به مراجع قضایی، حدود ۲۳ درصد انواع اخطار کتبی به متخلفان، ۲ درصد رفع تعهدی از ادوار و دستگاه‌های مردم‌نهاد و میزان رضایت‌مندی مردم در قبال نظارت‌های انجام شده در این بازه زمانی ۹۲ درصد بوده است.

پخت سیاه دختر ۴ ساله

ماجرای زندگی «نگار» در پمپ بنزین

فلاکت تلخ دختر ۴ ساله است که پس از به دنیا آمدن او، ۵ مرد دیگر در یکی از خشن‌ترین‌های استان گلستان، هم‌خانه شده است. مردی که به لقمه خورد آورد که: نگار را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهد و به شیشه اعتیاد داشته است

آفتاب یزد - گروه اجتماعی: خیابان وقت است که ذوق زدگی سیمای چشمانش را فرا گرفته و هر لحظه تاج دندانگی هیچ چیز را از سر او پرنمی‌کند. جایی که روی‌گاه دختر کوچولو را که ساعد پدر را در حجم سنگین خمیری که کرده و هم‌نحیفش است، کشتی‌های دیگری معتاد هستند. چشم‌هایش را برای مواد در قرص مواد در قرص خلاصه می‌شود که صبحانه در جیب لباسش قرار می‌دهد. چشم‌هایش را باز کرده و نگرانه می‌رود سراغ قهوه‌ای که سال‌هاست به عنوان مسکن برای دهانی از دردهای بی‌شمارش انتخاب کرده است و روزها روز مسکن‌ترکیو تریلی می‌کند. فندک قدیمی را که برای مصرف خودش زیر قرص می‌گیرد و لاک بی‌رنگی که بر دست‌های آفتاب سوخته‌اش مانده. همین هم خودنمایی می‌کند. خیابان خوابی دست‌هایش را رنگت کرده تا همزه به یک زن تعلق دارد. زنی که از آن روزها در ته ذهنش مادر است. مادری که از آن روزها در ته ذهنش مادر است. مادری که از آن روزها در ته ذهنش مادر است. مادری